

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

دیدگاه مرحوم محقق اصفهانی در رابطه با شقّ اخیر

مرحوم اصفهانی اعلی الله مقامه الشریف درباره شقّ اخیر - جزء المستحب فی الواجب است نه للواجب - می فرماید: اگر عملی در ضمن عملی دیگر به صورت مستحب قرار گرفت، عنوان جزء الماهیه یا جزء الفرد را ندارد.

در ادامه و در پاسخ از این اشکال که آیا استحباب جزئی مانند قنوت با این فرض که فی الواجب است نه للواجب به خود واجب و مأمور به نیز سرایت دارد یا خیر، می فرماید: ترشح استحباب از جزء به عبادت تنها در صورتی ممکن است که واجب و عبادت، مقدمه وجودیه برای آن عمل مستحب باشد نه مقدمه وجوبیه؛ مثلاً اگر نماز فقط و فقط مقدمه وجودیه عمل مستحب مانند قنوت در اثناء آن باشد به این بیان که جزء مذکور مطلقاً مستحب باشد نه به صورت مشروط ترشح ممکن است. اما اگر استحباب آن مشروط باشد ترشحاتی در کار نیست.

ایشان در ادامه می فرماید: فرض در محل بحث این است که عمل مستحب مانند قنوت به خودی خود قبل از صلاة استحبابی ندارد؛ لذا تا زمانی که نماز ایتیان نشود، استحباب قنوت بی معنا است پس استحباب آن مشروط می باشد.

به عبارت دیگر شاید گفته شود به چه دلیل استحباب جزء محل بحث و شقّ اخیر که قنوت جزء مستحب فی الصلاة باشد نه جزء مفرد بر صلاة به بقیه عبادت سرایت دارد؟! در حقیقت این بیان پاسخ از مبنائی که دلالت بر تأکید داشت است و مطابق آن مرحوم اصفهانی رحمه الله علیه می فرماید: هیچ ترشحاتی در کار نیست چرا که ترشح تنها در صورتی امکان دارد که استحباب فعل مذکور به صورت مطلق باشد؛ به تعبیر ما یعنی چه نماز واقع بشود یا واقع نشود یا چه نماز بیاید یا نیاید این جزء مستحب است. اما اگر استحباب تنها در ظرف وقوع نماز محقق شد ترشح و در نتیجه تأکید نیز معنایی ندارد.^[1]

بررسی ثمره بحث در فروع فقهی

مرحوم سید رحمه الله علیه برای خلل در نماز تقسیمات شش گانه ای مانند عمد، جهل، سهو، اضطراب، اکراه یا شک را ذکر نمود می فرماید: هر کدام از این امور یا به زیادت و یا به نقصان، یا در رکن و یا در غیر رکن هستند.

ایشان در ادامه می فرماید: تمام اقسام خلل به نحو زیادت و از روی عمد سبب بطلان نماز است؛ مثلاً اگر از روی عمد جزء غیر رکنی و مستحب نماز به صورت فاسد ایتیان شود، نماز باطل خواهد بود.

مرحوم خوئی رحمه الله علیه در حاشیه می فرماید: اگر جزء مستحبی در نماز مانند قنوت به صورت عمد و فاسد ایتیان شد،

موجب اخلال و فساد نماز نیست.

مرحوم حکیم رحمة الله عليه نیز می‌فرماید: اگر قنوت را علاوه بر بعد از رکوع مثلاً میان دو سجده به صورت عمدی انجام دهیم مبطل نماز نیست. مگر این‌که عمل مذکور موجب اخلال در نیت قربت شود.^[2]

با توجه به این‌که مسئله محل بحث در باب ریا ثمره زیادی دارد به این بحث نیز خواهیم پرداخت. مرحوم سید رحمة الله عليه در این بحث می‌فرماید: در نیت نماز و مطلق عبادات نباید ریا وجود داشته باشد؛ در نتیجه اگر در عبادت ریا داخل شود عبادت باطل می‌باشد. ریا از معاصی کبیره است چرا که ریا شرک به خداوند متعال می‌باشد.

ایشان در ادامه می‌فرماید: دخول ریا در عمل انواع مختلفی دارد که همه آن‌ها موجب بطلان عمل نیستند؛ مثلاً ریا از حیث زمان به این صورت است که شخص به دیگران نشان دهد من مقید به انجام نماز در ابتدای وقت هستم و در این صورت نماز باطل است.

ریا از حیث اوصاف به این صورت است که نماز را به گونه‌ای بخواند که قصد داشته باشد خشوع خود را به دیگران نشان دهد که در این صورت نیز نماز باطل است.

ریا از حیث انجام مقدمات به این صورت است که هنگام رفتن به مسجد به گونه‌ای رفتار نماید که به دیگر بفهماند من اهل رفتن به مسجد هستم که در این صورت نماز باطل نیست.

ریا از حیث اعمال خارج از نماز به این صورت است که شخصی در انداختن تحت الحنک ریا انجام دهد که در این صورت نماز باطل نیست و در نهایت می‌توان گفت این جزء، جزء فی الصلاة است؛ چون روایات تحت الحنک مطلق بوده و اختصاص به نماز ندارند. لذا برخی اخباری‌ها در قدیم دائماً تحت الحنک را می‌انداختند.

مرحوم سید رحمة الله عليه از جزء الفرد به جزء مستحب تعبیر نموده و می‌فرماید: اگر شخص در قنوت ریا کرد موجب بطلان نماز است. در این فرع اکثر محشین حاشیه ندارند و لذا ظاهراً منشأ این‌که مرحوم اصفهانی رحمة الله عليه فرمود: افراد زیادی قائل به این مسئله هستند این فرع می‌باشد.

البته مرحوم کاشف الغطاء رحمة الله عليه در حاشیه می‌فرماید: اقوی بطلان این جزء به صورت خاص است نه این‌که کل نماز باطل باشد. مرحوم حکیم رحمة الله عليه نیز در کلام مرحوم سید رحمة الله عليه اشکال دارند.^[3]

دیدگاه مرحوم اصفهانی و نظر مختار

مرحوم اصفهانی رحمة الله عليه در اشکال به ثمره اول می‌فرماید: در رابطه با امور اعتباری بیان شد که فرد معنا ندارد؛ با این توضیح که اگر ماهیت و طبیعت صلاة به وسیله فرد موجود شده و این فرد مشخص و محقق آن ماهیت در عالم خارج بود کما این‌که زید محقق کلی انسان است، می‌توان گفت خلل در فرد موجب خلل در ماهیت است.

حال آن‌که در امور اعتباری فرد، تشخص و مفرد وجود ندارد لذا اطلاق جزء الفرد مسامحه است. شارع در امور اعتباری امر به ایتان اجزائی در عالم خارج نموده است و مکلف آن اجزاء را به عنوان جزء الفرد آورده است، لذا در ماهیت و طبیعت صلاة خللی وارد نمی‌شود؛ در نتیجه طبق بیان مذکور مرحوم اصفهانی رحمة الله عليه منکر ثمره مذکور هستند.

به بیان دیگر مرحوم اصفهانی رحمه الله علیه می‌فرماید: در تکوینات زمانی که زید محقق کلی انسان است، زوال زید موجب زوال انسان می‌شود زیرا آن کلی در ضمن انسان که به وسیله زید موجود شد از بین می‌رود. اما در اعتباریات چنین نیست و با انعدام جزء، طبیعت کلیه‌ی صلاة منعدم نمی‌شود؛ به این معنا که در اعتباریات تمام اجزاء به همراه جزء الفرد ریائی آورده می‌شود که با بطلان جزء ریائی، ملاک در باقی اجزاء همچنان محفوظ است و دلیل بر بطلان آن‌ها وجود ندارد.

به نظر ما مبنای مذکور یعنی این که جزء الفرد کمال و فضیلت برای طبیعت بوده اما در آن از حیث ملاک، نقصان یا ازدیادی ایجاد نکند صحیح است؛ در نتیجه اگر جزء به صورت فاسد انجام شد به ملاک لزومی خدشه وارد نمی‌شود؛ یعنی موجب ازیاد یا آن انعدام آن نیست.

تعلیقه‌ای که ما بر کلام مرحوم سید رحمه الله علیه داریم این است که رباء در قنوت موجب فساد در نماز نبوده و ایتیان جزء مفرد ولو به صورت ریائی و فاسد و حتی به عمد مخل به صلاة نیست.

مرحوم اصفهانی رحمه الله علیه در اشکال به ثمره دوم - البته اشکال مذکور اختصاص به این ثمره نداشته و مربوط به ثمره اول نیز می‌شود - نیز می‌فرماید: اگر سلام مشخص حقیقی نماز باشد به این بیان که سلام فردی از طبیعت کلی صلاة را ایجاد نماید، احکام فردیت مانند این که اگر این فرد از بین رفت طبیعت نیز از بین می‌رود در آن جاری می‌شود.

اما طبق این بیان که در امور اعتباری وجود فرد بی معنا بوده و تعبیر به جزء الفرد در السنه تعبیری مسامحی می‌باشد، سلام کمال برای نماز است؛ به این معنا که اگر به صورت صحیح انجام شد نماز کامل می‌شود اما اگر فاسد بود سبب اخلال به نماز نیست. در فرض شک از آن جا که نمی‌توان گفت سلام در فرض استحباب احکام فرد را ندارد، لذا قاعده فراغ جریان نداشته و ثمره مذکور باطل است. به نظر ما کلام مرحوم اصفهانی رحمه الله علیه تام است و ما به تبع ایشان هر دو ثمره را منکر هستیم.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

- [1]. «و مجرد استحباب عمل في عمل لا يقتضي بالجزئية و لا بالمشخصية، و ترشح الاستحباب منه إلى العبادة إنما يكون إذا تمحضت العبادة - في المقدمية لوجوده، و لم تكن مقدمة لوجوبه أيضا بأن كان مستحباً في الصلاة مطلقاً - لا مشروطاً - و إلا فلا ترشح؛ حيث لا استحباب قبل فعل الصلاة على الفرض.» نهاية الدراية في شرح الكفاية، ج 1، ص 143.
- [2]. «(مسألة 2): الخلل العمدي موجب لبطلان الصلاة بأقسامه من الزيادة، و النقيصة حتى بالإخلال بحرف من القراءة أو الأذكار أو بحركة أو بالموالات بين حروف كلمة أو كلمات آية، أو بين بعض الأفعال مع بعض، و كذا إذا فاتت الموالات سهواً أو اضطراراً لسعال أو غيره (1) و لم يتدارك بالتكرار متعمداً.»
- «بطلانها بالزيادة العمدية في الأجزاء المستحبة محل إشكال بل منع. (الخوئي). زيادة الأجزاء المستحبة كالقنوت غير مبطله إلا أن توجب خللاً في نيّة القرية. (الحكيم).» العروة الوثقى (المحشى)، ج 3، ص 207 - 208.
- [3]. «(مسألة 8): يشترط في نيّة الصلاة بل مطلق العبادات الخلو عن الرياء، فلو نوى بها الرياء بطلت، بل هو من المعاصي الكبيرة، لأنه شرك بالله تعالى، ثم إن دخول الرياء في العمل على وجوه:» العروة الوثقى (المحشى)، ج 2، ص 441 به بعد.
- «الأقوى بطلان خصوص الجزء لا بطلان الصلاة، و أثر بطلانه عدم استحقاق الثواب عليه كما لو خلت الصلاة منه فعلاً كان (أو قولاً. (كاشف الغطاء). فيه نظر. (الحكيم).» العروة الوثقى (المحشى)، ج 2، ص 443.